

# ۱. خلاصه و یافته های کلیدی گزارش سروی ایشیا فوندیشن سال 2009

## ۱.۱ یافته های کلیدی

- در سال 2009، چهل و دو فیصد (42%) از سروی شده گان بدین باور بودند که کشور در مسیر درست در حرکت است که نسبت به سال 2008 (38%) رقم درشت تری را نشان میدهد. به همینسان، 29 فیصد سروی شده گان احساس میکنند که کشور در مسیر نادرست در حرکت است. این درحالیست که در سال گذشته این پاسخ از طرف 32 فیصد سروی شده گان ارائه شده بود که نمایانگر توقف سیر نزولی خوشبینی ها در این مورد از سال 2006 بدینسو میباشد.
- دلیل عمده این خوشبینی باز هم همانا موجودیت امنیت است که از سال 2006 به اینطرف سروی شده گان بصورت فزاینده از آن یادآوری میکنند (در سال 2006 سی و یک فیصد سروی شده گان امنیت را خوب توصیف میکردند اما تا سال 2009 این فیصدی به تدریج به 44% افزایش یافته است). همچنان تعدادی از سروی شده گان سال 2009 بازسازی (36%) و گشایش مکاتب برای طبقه انات (21%) را نیز منحیت دلایل افزایش خوشبینی شان بمقایسه سالهای گذشته عنوان میکنند.
- نا امنی مهمترین دلیل بدبینی ها نیز میباشد که از طرف 42 فیصد سروی شده گان تذکر داده شده است. با اینحال، تعداد کسانی که در سال 2009 از نا امنی یادآوری کرده اند به تناسب سال گذشته که در آن نصف سروی شده گان (50%) بالای این عامل تاکید داشتند، کاهش یافته است.
- نا امنی (بشمول حملات، خشونت و تروریزم) از سوی بیش از یک سوم (36%) حصه سروی شده گان بزرگترین مشکل افغانستان تلقی میگردد، بخصوص در جنوبشرق (48%)، غرب (44%) و جنوبغرب (41%). از طرف دیگر نگرانی ها در خصوص سایر معضلات مانند بیکاری (35%)، ضعف اقتصادی (20%)، فساد (17%)، فقر (11%) و تعلیم و تحصیل (11%) در سال 2009 نسبت به سال 2008 افزایش یافته است.
- شصت و چهار فیصد از سروی شده گان سال 2009 وضعیت امنیتی محلات مربوطه شانرا مثبت ارزیابی میکنند که یک افزایش جزئی را نسبت به سال 2008 (62%) نشان میدهد. هرچند تقریباً از تمام حصص کشور گزارش ها حاکی از بهبود و سازنده گی بودند، اما فراموش نباید کرد که در سال 2009 نسبت به سالهای گذشته بنابر دلایل امنیتی و سایر دلایل محدودیت های بیشتری بالای گشت و گذار سروی کننده گان وضع شده بود (برای جزئیات بیشتر به ضمیمه 2 مراجعه شود).
- کمی بیش از نصف سروی شده گان (51%) از مصئونیت شخصی خود در محل بودوباش شان ابراز نگرانی میکنند. اما تعداد بمراتب بیشتر سروی شده گان در حوزه جنوبشرق (65%)، جنوبغرب (62%) و غرب (62%) نسبت به سایر نقاط کشور میگویند که گاهگاهی از بابت مصئونیت خویش نگران بوده اند. همچنان میزان واقعات جنایی و خشونت که در این مناطق سروی شده گان مذکور را متأثر ساخته است از سال 2008 بدینسو افزایش قابل ملاحظه یافته است.
- هفده فیصد سروی شده گان گفتند که خودشان یا یکی از اعضای فامیل شان در سال گذشته قربانی خشونت یا جرم شده اند. تقریباً یکتن از جمله هر 10 قربانی اذعان نمودند که واقعه که برای آنها رخ داد ناشی از فعالیت های ملیشه ها و شورشیان (9%) یا نیروهای خارجی (9%) بود. وقایعی که در آن افراد ملکی قربانی فعالیت های نظامی گردیده اند از سال 2007 بدینسو بصورت تدریجی افزایش یافته است. از خشونت ناشی از فعالیت های نظامی/شورشیان بیشتر در مناطق مرکزی/هزاره جات (24%)، مناطق شرقی (17%)، حوزه مرکز/کابل (11%)، جنوبشرق (9%) و جنوبغرب (8%) یادآوری میشود؛

در حالیکه خشونت ناشی از فعالیت نیروهای خارجی بیشتر از جنوبغرب (22%)، جنوبشرق (11%) و شرق (10%) گزارش میشود.

- تناسب سروی شده گانیکه از اشتراک در انتخابات ملی هراس داشتند بین سالهای 2008 و 2009 افزایش چشمگیری را نشان میدهد (از 45% به 51%). این موضوع فعلاً در خصوص اکثریت سروی شده گان جنوبغرب (79%)، جنوبشرق (68%)، غرب (61%) و شرق کشور (56%) صدق میکند.
- ارزیابی افغانها از وضعیت اقتصادی شان در سال 2009 نسبت به سالهای گذشته مثبت تر است، هرچند تمام افغانها بصورت مساویانه از این امتیاز برخوردار نیستند. تعداد بیشتر ساکنین شهرها (63%) نسبت به روستائیان (52%) میگویند که امروز به تناسب رژیم طالبان در وضعیت اقتصادی بهتری قرار دارند.
- بیکاری کماکان در ردیف بزرگترین مشکلات چه به سطح ملی (35%) و چه به سطح محلی (26%) قرار دارد. سایر مشکلات عمده در سطح محلی همانند سالهای گذشته شامل زیربناها و خدمات مانند برق (26%)، سرک (24%)، آب (22%) و نبود کلنیک ها و شفاخانه ها (20%) میباشد.
- در بخش سهولت ها و خدمات محلی، سروی شده گان باز هم از دسترسی به خدمات تعلیمی برای اطفال (67%)، آب آشامیدنی (63%) و آبیاری (53%)، و کلنیک ها و شفاخانه ها (49%) اظهار رضایت کردند.
- حدود دو سوم سروی شده گان (65%) از برق مناطق مسکونی شان شکایت دارند و یک سوم شان (33%) از عدم دسترسی به هر نوع برق سخن میگویند که نسبت به سالهای گذشته فیصدی پائینتر را نشان میدهد.
- ارزیابی مثبت اجراءات حکومت مرکزی از 67 فیصد در سال 2008 به 71 فیصد در سال 2009 افزایش یافته است. آنعده دستاوردهای حکومت که به کثرت یاد میشوند شامل بازسازی (32%)، ایجاد صلح و ثبات (27%)، و بهبود سیستم تعلیمی (26%) میباشد. از طرف دیگر از ناامنی (31%)، فساد اداری (29%)، نبود فرصت های کاری (20%)، ضعف اقتصادی (15%) و ضعف حکومت (13%) بمتابۀ ناکامی های حکومت یاد میشود.
- اکثریت سروی شده گان (71%) از تلاشهای دولت در راستای بهبود وضعیت امنیتی از طریق مذاکره و آشتی با عناصر مسلح ضد دولت پشتیبانی میکنند. سطح بلند پشتیبانی از این رویکرد احتمالاً ریشه در این حقیقت دارد که اکثریت سروی شده گان (56%) میگویند آنها انگیزه های مخالفین را تا حدودی تأیید میکنند.
- اعتماد به نهاد های منتخب و عملکرد شان در رسیده گی به مشکلات محلی در سطح نسبتاً بلند باقی مانده است. شصت و هشت فیصد سروی شده گان به این نظر اند که پارلمان به مشکلات عمده مردم افغانستان رسیده گی مینماید و 58 فیصد شان میگویند که وکیل مربوطه شان به مشکلات بزرگ حوزه انتخاباتی خود در پارلمان رسیده گی میکند. سطح رضایت از کارکردهای وکلا در زمینه های مذکور افزایش اندکی را در سال 2009 نسبت به سال 2008 نشان میدهد.
- در سطح محلی سروی شده گان بیش از همه از اجراءات شورا های ولایتی (75%) و به تعقیب آن از اجراءات مقامات ولسوالی ها (69%) و شاروالی ها (58%) رضایت خود را اظهار نموده اند. در سال 2009 میزان رضایت از کارکرد مقامات شاروالی ها افزایش یافته اما در قسمت شورا های ولایتی و

مقامات ولسوالی ها بدون تغییر باقی مانده است.

- در سال 2009 تعداد بیشتر سروری شده گان نسبت به سالهای قبل از آزادی (50%) و صلح (41%) بمثابة بزرگترین منفعت های شخصی نام میبرند که آنها از مردم سالاری (دیموکراسی) انتظار دارند. در سال جاری مردم اهمیت بیشتری به ارزش های کلیدی دیموکراسی از قبیل حقوق و قانون (24%)، حقوق زنان (21%)، حکومت مردمی (19%) و دیموکراسی اسلامی (23%) قایل هستند. اما در مورد اینکه دیموکراسی احتمالاً پیامد های محسوسی مانند کاهش فساد (17%) و به ارمغان آوری شگوفایی (15%) را در قبال خواهد داشت، کمتر مطمئن هستند.
- تناسب سروری شده گانی که دیموکراسی را بهترین نوع حکومت میدانند از 84 فیصد در سال 2006 به 78 فیصد در سال 2009 نزول یافته است. به هر حال، میزان رضایت از نحوه کار دیموکراسی در افغانستان نسبت به سال 2008 تغییر ننموده است (68%).
- میزان پذیرش اصول تساوی حقوق بمرور زمان یک سیر نزولی را پیموده است طوریکه از 90 فیصد در سال 2006 و 2007 به 84 فیصد در سال 2008 و بالاخره در سال 2009 به 80 فیصد رسیده است. عین سخن در مورد حمایت از موجودیت اپوزیسیون سیاسی صلح آمیز نیز صدق میکند که از 84 فیصد در سال 2006 به 77 فیصد در سال 2009 سقوط نموده است. همچنان در میزان پذیرش وابستگی های سیاسی میان افراد کاهش رونما شده است که از 54 فیصد در سال 2006 به 40 فیصد در سال 2009 میرسد. با اینحال، میزان حمایت از اجازه دادن به اپوزیسیون جهت تدویر جلسات به سطح محل از 44 فیصد در 2008 به 54 فیصد در 2009 رسیده است.
- سال 2009 شاهد تجدید اعتماد مردم به روند انتخابات بوده است. هفتاد فیصد سروری شده گان میگویند که آنها باورمند هستند که دادن رای باعث بهبود امور شده میتواند که بدین ترتیب روال دو سال گذشته معکوس میگردد. همگام با آن، تعداد کسانی که میگویند در اتخاذ تصمیم توسط دولت به نحوی اعمال نفوذ نموده میتوانند از 36 فیصد در سال 2006 به 42 فیصد در سال 2009 ارتقا یافته است.
- علاوه، در سال 2009 اعتماد مردم نسبت به نهاد های مربوط به انتخابات بشمول کمیسیون مستقل انتخابات (از 58% در سال 2008 به 67% در سال 2009) و احزاب سیاسی (47% که بلند ترین فیصدی از سال 2006 بدینسو میباشد) افزایش یافته است.
- این سروری در جون سال 2009 یعنی دو ماه قبل از موعد تعیین شده برای انتخابات صورت گرفت. در تاریخ مذکور 82 فیصد سروری شده گان از انتخابات آگاه بودند و 77 فیصد شان برای رای دهی ثبت نام نموده بودند. میزان ثبت نام رای دهنده گان میان مردان (85%) بیشتر از زنان (69%) بود. حدود سه چهارم حصه (73%) کسانی که ثبت نام نموده بودند اظهار داشتند که نمیدانستند در کجا ثبت نام نمایند.
- هفتاد و سه فیصد رای دهنده گانی که ثبت نام نموده بودند گفتند احتمالاً رای خواهند داد بشمول 48 فیصدی که گفتند به احتمال قوی رای خواهند داد. در عین حال، تعداد قابل ملاحظه سروری شده گان در جنوبغرب (35%)، جنوبشرق (29%)، حوزه مرکز/کابل (27%) و غرب (25%) از احتمال عدم رای دهی شان خبر دادند. تناسب سروری شده گانیکه از نداشتن علاقه به اشتراک در انتخابات خبر داده بودند در سال 2009 به سرعت بالا رفته و نسبت به سال 2004 بیش از دوچندان گردیده است (از 12% به 16% در 2005، 18% در 2008 و 26% در 2009). نگرانی های امنیتی نیز بیشتر شده است (18%)، بخصوص در جنوبشرق (25%) و جنوبغرب (30%).

- شصت و چهار فیصد سروی شده گان گفتند که انتخابات پیشرو آزاد و عادلانه خواهد بود. کسانیکه نظر مخالف داشتند شماری از مشکلات بالقوه را عنوان کردند که شامل تقلب در شمارش آراء (39%) و خریدن رای دهنده گان (33%) میگردید. تعداد قلیلی (8%) از تهدید رای دهنده گان و فعالین احزاب یادآوری نمودند. شک و تردید ها در مورد آزاد و منصفانه بودن انتخابات در جنوبغرب (37%)، جنوبشرق (29%)، حوزه مرکز/کابل (25%) و غرب (23%) بیشتر بود.
- نظریات در مورد آزادی بیان اینبار هم مختلف بودند. چهل فیصد سروی شده گان میگویند که اکثریت مردم مفکوره هایشان را بصورت آزادانه بیان نموده میتوانند، اما تعداد دیگری تقریباً به همین فیصدی (39%) با این نظر مخالفت میورزند. تناسب سروی شده گانیکه میگویند گفتن سخنان منفی در مورد حکومت قابل پذیرش نیست به سیر نزولی خود از 69% در سال 2007 به 61% در سال 2009 ادامه داده است. همچنان تناسب کسانیکه خرابی اوضاع امنیتی محلی را مانع آزادی بیان میدانند در سال 2009 (29%) نسبت به هر سال دیگر کمتر است (40% در 2006، 36% در 2007، 38% در 2008)، این درحالیست که در تعداد کسانیکه از تهدید طالبان سخن میگویند افزایش ناچیزی (21%) بمقایسه سال 2008 (18%) رخ داده است.
- حمایت از مفکوره مشوره با رهبران مذهبی در تصمیم گیری های دولت و برای حل مشکلات محلی به تدریج افزایش یافته است و بیشترین افزایش آن در شرق (82%) و جنوبغرب (72%) به چشم میخورد.
- مانند سالهای گذشته، تعلیم و سوادآموزی (49%) در جمع مشکلات عمده زنان افغان باقی مانده است. با این وصف، در خلال مدت مذکور در تناسب سروی شده گانی که نبود فرصت های کاری برای زنان را یک معضل مهم میدانند بطور قابل ملاحظه افزایش بعمل آمده است (از 2% در سال 2006، به 19% در 2007، 24% در 2008 و 28% در 2009).
- میزان حمایت از تساوی جنسیت (جندر) بشمول فرصت های همسان تعلیمی (87%) و حق رای دادن زنان (83%) باز هم بالا ثبت شده است. تناسب کسانیکه طرفدار کار زنان در بیرون از خانه هستند همه ساله کاهش یافته است تا از 71 فیصد در 2006 به پائین ترین حد خود (67%) در سال 2009 برسد.
- نتایج سروی 2009 کاهش قابل ملاحظه را در ابراز حمایت سروی شده گان از حضور زنان در نهاد های دولتی بمقایسه سالهای گذشته نشان میدهد.
- رادیو هنوز هم دسترس پذیر ترین رسانه برای خانواده های افغان بخصوص در مناطق روستایی بشمار میرود. به هر حال از سال 2007 تا حال گرایش مردم به داشتن و شنیدن رادیو کمتر شده است. تناسب سروی شده گانیکه از تلویزیون معلومات بدست می آورند در حال افزایش است اما هنوز هم محدود به مناطق شهری میباشد.
- سال 2009 شاهد افزایش دراماتیک مالکیت تلفون های همراه نسبت به سالهای گذشته بوده است. این بدان معناست که حال برای اولین بار اکثریت سروی شده گان (52%) به این تکنالوژی دسترسی دارند.

## ۲,۱ خلاصه

در سروی سال 2009، دیده شد که تعداد بیشتر سروی شده گان بمقایسه سروی سال 2008 بدین باور اند که کشور در مسیر درست در حرکت است و تعداد کمتری میگویند که کشور در مسیر نادرست حرکت مینماید که نمایانگر توقف سیر نزولی خوشبینی ها در این مورد از سال 2006 بدینسو میباشد.

همانند سالهای گذشته امسال نیز امنیت بمثابة یک نگرانی اصلی افغانها و یک فکتور مهمی که توسط آن پیشرفت و مسیر انکشاف کشور شانرا داوری میکنند، باقیمانده است. اطلاعات حاصله از سروی سال 2009 حاکی از آنست که پیشرفتهایی در این زمینه صورت گرفته و سروی شده گان به تناسب سالهای گذشته در رابطه با وضعیت امنیتی دیدگاه مثبت تری داشتند.<sup>1</sup> امنیت خوب همه ساله از سوی تعداد فزاینده از سروی شونده گان به حیث عامل اصلی خوشبینی آنها ارائه میگردد. به همین ترتیب ناامنی نیز همواره بحیث دلیل عمده بدبینی شناخته شده است؛ اما با این وصف، تعداد کمتری از سروی شده گان در سال 2009 نسبت به سال 2008 به این دلیل اشاره نمودند. یک تناسب نسبتاً بزرگتر سروی شونده گان تقریباً در تمام مناطق کشور امنیت محلات مربوطه شانرا نسبت به سال 2008 خوب ارزیابی میکنند.

روپهمرفته، نا امنی هنوز هم بحیث بزرگترین مشکل در افغانستان باقی مانده که اثرات آن بیشتر در جنوبشرق، جنوبغرب و غرب کشور محسوس است.

تعداد بمراتب بیشتر سروی شده گان در این نواحی میگویند که حد اقل بعضی اوقات از بابت مصئونیت خویش نگران میباشدند و تناسب کسانی که پیوسته از ناحیه مصئونیت خویش نگران هستند طی چهار سال گذشته بصورت منظم افزایش یافته است. همچنان میزان واقعات جنایی و خشونت که در این مناطق سروی شده گان مذکور را متأثر ساخته است از سال 2008 بدینسو افزایش قابل ملاحظه داشته است.

واقعاتی که در آن افراد ملکی قربانی فعالیت های ملیشه ها و شورشیان ویا قوای خارجی میگرددند، هر چند صرف یک اقلیت کوچک (9%) از آن متأثر گردیده اند، از سال 2007 بدینسو بصورت منظم افزایش یافته است که نشان از آن دارد که خشونت های جاری بالای زنده گی افغانها اثرات ملموسی بجا میگذارند. اینگونه خشونت ناشی از منازعات بیشتر در جنوبغرب، جنوبشرق، شرق و همچنان در زون مرکز مانند هزاره جات و کابل جائیکه میزان خشونت های وابسته به ملیشه ها و شورشیان بیشتر گزارش میشود، وجود دارد.

اکثریت سروی شده گان از تلاشهای دولت در راستای بهبود وضعیت امنیتی از طریق مذاکره و آشتی با عناصر مسلح ضد دولت پشتیبانی میکنند. سطح بلند پشتیبانی از این رویکرد احتمالاً ریشه در این حقیقت دارد که اکثریت سروی شده گان میگویند آنها انگیزه های مخالفین را تا حدی تأیید میکنند. در این زمینه میان اقوام مختلف تفاوت های اندکی وجود دارد، اما تفاوت های منطقی بیشتر دیده میشوند. در جنوبشرق و شرق کشور حدود دو سوم سروی شده گان اینگونه گروه ها را تأیید میکنند در حالیکه این حرف در مورد کمتر از نصف سروی شده گان در حوزه مرکز/کابل و هزاره جات صدق میکند.

با این وصف باز هم حس خوشبینی وجود دارد. اکثریت سروی شده گان توقع دارند که اوضاع امنیتی طی سال آینده در مناطق شان بهبود خواهد یافت اما در مناطقی که شدت نا امنی بیشتر است سروی شده گان در رابطه با بهبود اوضاع در آینده خوشبینی کمتری نشان میدهند.

نا امنی ها مانند سالهای گذشته امسال نیز تأثیرات خود را بالای اراده سروی شده گان مبنی بر اشتراک در یک سلسله فعالیت های عامه داشته است. بین سالهای 2008 و 2009 تناسب سروی شده گانیکه از اشتراک در

<sup>1</sup> باید توجه داشت که در سروی سال 2009 نسبت به سالهای گذشته نظر به دلایل امنیتی سروی کننده گان در قسمت گشت و گذار شان با محدودیت های گسترده تری مواجه بودند. در سروی سال 2009 بیش از 100 نقطه تعیین شده برای نمونه گیری در سراسر کشور از بابت مشکلات امنیتی غیر قابل دسترسی بودند. (به ضمیمه 2: شیوه و طریقه مراجعه شود)

انتخابات هراس نشان دادند از دید قابل ملاحظه یافت. این امر در مورد اکثریت سروی شده گان مناطق جنوبشرقی، جنوبغربی، شرقی و غربی کشور بیشتر صدق میکرد که نشاندهنده اثرات بارز نا امنی بالای مشارکت دیموکراتیک مردم در انتخابات امسال میباشد.

همانند سالهای گذشته، افغانها باز هم در خصوص خدمات امنیتی دولت اظهار اطمینان کردند. از سال 2007 به اینسو برداشت ها از ظرفیت عملیاتی پولیس ملی و اردوی ملی بهتر شده اند اما این حسن برداشت ها لزوماً بمعنای رضایت قابل ملاحظه از اجراء آنها نمیشوند. نسبت به سالهای گذشته، در سال جاری تعداد کمتری از سروی شده گان به این نظر بودند که پولیس ملی در بهبود امنیت کمک میکند یا صادق و منصف میباشد. این درحالیست که ارزیابی عملکرد اردوی ملی عین نتایج سالهای گذشته را نشان میدهد.

ارزیابی افغانها از وضعیت اقتصادی شان در سال 2009 نسبت به سالهای گذشته مثبت تر بود، هرچند تمام افغانها بصورت مساویانه از این امتیاز برخوردار نیستند. تعداد بیشتر ساکنین شهر ها نسبت به روستائیان میگویند که امروز به تناسب رژیم طالبان در وضعیت اقتصادی بهتری قرار دارند. صرف تعداد محدودی از سروی شده گان گفتند که این موضوع در جنوبشرق و جنوبغرب کشور صدق میکند.

به همین ترتیب، از نقطه نظر فراهم بودن خدمات و سهولت های محلی، سروی شده گان بنا بر فراهم بودن امکانات تعلیم و تحصیل بخصوص برای طبقه انات ابراز رضایت نمودند. آنها همچنان گفتند که بیشترین پیشرفت ها طی سال گذشته در همین عرصه صورت گرفته است. میزان رضایت از دسترسی به آب آشامیدنی و آبیاری و همچنان کلینیک ها و شفاخانه ها نسبتاً بلند باقی مانده بود.

سروی سال 2009 نمایانگر بهبود در تامین انرژی برق در طول سال گذشته است. هرچند یک سوم سروی شده گان از عدم دسترسی به هر نوع برق سخن میگویند که نسبت به سالهای گذشته فیصدی پائینتری را نشان میدهد، اما این رقم باز هم نسبت به سالهای گذشته پائینتر است. در حالی که از سال 2006 به اینطرف در ساحه تحت پوشش برق دولتی افزایش قابل ملاحظه رونما نگریده است، استفاده از جنراتور های مشترک یا عامه بیشتر گردیده است. یک تناسب کوچک سروی شده گان از برق آفتابی نیز استفاده میکنند (4%) بخصوص در مناطق روستایی. این طریقه ظاهراً یک طریقه ارزان تهیه انرژی در مناطق روستایی میباشد بخصوص در صورتیکه کمیت انرژی تولید شده افزایش یابد.

بیکاری کمافی السابق به حیث یک معضله ملی و محلی به حال خویش باقیست. رضایت سروی شده گان از موجودیت فرصت های کاری در مناطق مسکونی شان در پائینترین حد قرار دارد و ایشان از عدم پیشرفت در این راستا خبر میدهند.

علی الرغم توفیقات حاصله در برخی از زمینه ها، رویهمرفته ارزیابی ها نشان میدهد که در بخش فراهم سازی سهولت ها و خدمات ابتدایی در خلال این مدت بهبود قابل ملاحظه رخ نداده است. در واقع سطح رضایت سروی شده گان از سال 2007 به اینسو یک آفت را بخود دیده است که دال بر بلند بودن توقعات نسبت به سرعت تطبیق اصلاحات میباشد.

بسان سالهای گذشته، اکثریت سروی شده گان میگویند که از پروژه های انکشافی که در زمینه های معارف و ساختمان سرک ها و پل ها در مناطق مسکونی شان تطبیق میشوند آگاهی دارند. تعداد قابل ملاحظه از سروی شده گان از پروژه های تهیه آب آشامیدنی و خدمات صحی نیز یادآوری نمودند. حکومت افغانستان بمثابه مرجع اصلی مسئول امور انکشافی شناخته میشود، با وجود اینکه از قرار معلوم مراجع تمویل کننده خارجی (دونرها) در سکتور های تعلیم و تربیه، بازسازی، صنعت و انرژی برق نقش کلیدی را ایفا میکنند. ایالات متحده امریکا در تمام مناطق به حیث بزرگترین دونر شناخته میشود که به تعقیب آن به ترتیب کشور های جرمنی، جاپان و هند قرار دارند. البته نا گفته نباید گذاشت که یک تعداد قابل توجه سروی شده گان در مناطق مختلف از دونر های دیگری نام بردند که در همان مناطق فعالیت بیشتر دارند.

در سال 2009 ارزیابی اجراءات حکومت نسبت به سال 2008 اندکی مثبت تر بود. همانند سالهای گذشته اجراءات حکومت بیشتر در عرصه های تعلیم و تربیه، سیستم مراقبت های صحی و امنیت مثبت ارزیابی گردید، اما ارزیابی بخش هایی مانند ایجاد اشتغال، رونق دادن به اقتصاد و مبارزه علیه فساد چندان مثبت نبود.

امسال برای نخستین بار از سروی شده گان پرسیده شد تا بزرگترین دستاوردها و ناکامی های دولت را بازگو کنند. نتیجه حاصله از پاسخ ها تا حد زیادی بازتاب دهنده وضعیت عمومی پیشرفت و استقامت حرکت کشور بود که این امر به نوبه خود مبین آنست که برداشت های موجود از اجراءات دولت تا حد زیادی از برداشت های پیرامون وضعیت عمومی کشور غیر قابل تفکیک اند. آنچه دستاوردهای حکومت که به کثرت از آنها یادآوری گردید شامل بازسازی، ایجاد صلح و ثبات، و بهبود سیستم تعلیمی میباشد. از طرف دیگر از ناامنی، فساد اداری، نبود فرصت های کاری، ضعف اقتصادی و ضعف حکومت بمتابیه ناکامی های حکومت یادآوری شد. ضعف حکومت از یک جهت بیشتر به نبود امنیت قابل اطمینان و تا حدی هم به عملکرد آن در تامین خدمات ابتدایی عامه عطف میشود.

اکثریت سروی شده گان مانند گذشته وجود فساد را مشکل بزرگ در تمام عرصه های زنده گی و تمام سطوح دولت میدانند. تناسب سروی شده گانیکه فساد را مشکل عمده اداره ولایتی شان وانمود میکنند از سال 2006 بدینسو کاهش یافته است. به همین ترتیب تعداد کسانیکه از افزایش سالانه فساد در سطح ولایتی حکایت داشتند نیز بصورت دوامدار رو به کاهش گذاشته است. به هر حال، در طول مدت متذکره تعداد افرادی که فساد را بمتابیه یک مشکل جدی در زنده گی روزمره و محیط ماحول شان میشناسند از دیاد یافته است.

در مجموع اعتماد به نهاد های منتخب و عملکرد آنها در رسیده گی به معضلات محلی در حد نسبتاً بلند باقی مانده است. اکثریت سروی شده گان اظهار داشتند که هم پارلمان بصورت کل و هم نماینده های خود شان به مشکلات رسیده گی میکنند و سطح رضایت از کارکرد وکلای پارلمان در زمینه های مذکور در سال جاری نسبت به سال 2008 قسماً افزایش یافته است.

در سطح محلی، سروی شده گان در قدم اول شوراهای ولایتی و در قدم دوم و سوم بالترتیب مقامات ولسوالی ها و شاروالی ها را مثبت ارزیابی نمودند. اعتماد مردم نسبت به شورای های ولایتی به تناسب نهاد های منتخب ملی هنوز هم در سطح بلند تری قرار دارد. با این حال، شوراهای ولایتی اعتماد مردم را از سال 2007 به اینسو به تدریج از دست داده اند. در سال 2009 رضایت از کارکرد های مقامات شاروالی ها صعود نمود در حالیکه سطح رضایت از شوراهای ولایتی و مقامات ولسوالی ها به حال خویش باقی مانده است.

در سال 2009 سطح آگاهی مردم در رابطه با شورا های انکشاف محلی منحصیث نهاد های منتخب به سطح قریه جات همچنان رو به افزایش بوده است. مزید بر آن، بیش از سه چهارم حصه سروی شده گان از اجراءات شورا های انکشاف محلی شان رضایت دارند و این مراجع هنوز هم در مقایسه با سایر نهادهای رسمی حکومت های محلی از بیشترین حمایت مردمی برخوردار اند. از جانب دیگر، سروی شده گان سال 2009 نسبت به سالهای گذشته قادر به تفکیک واضح تر نقش نماینده گی شوراهای انکشاف محلی در سطوح مختلف حکومت بودند. بصورت عموم قضاوت در مورد شوراهای انکشاف محلی به گونه ایست که فکر میشود این نهاد ها در ارائه نمودن منافع محلی به سطح ولایتی نسبت به ارائه نمودن آن به سطح ملی از مؤثریت بیشتری برخوردار هستند.

شورا های محلی یا جرگه ها نیز اهمیت خود را منحصیث ساختارهای مهم غیر رسمی در سطح محلی حفظ نموده اند. سروی شده گان بخصوص در دهات مثل گذشته شورا ها و جرگه ها را بر محاکم دولتی برای حل منازعات و دادرسی ترجیح میدهند. هر دو ساختار از حیث دسترس پذیر بودن شان بیشتر مثبت ارزیابی گردیدند، با وجود اینکه محاکم دولتی برای سروی شده گان مسکونه شهرها و کسانیکه سواد بالاتری دارند بیشتر قابل دسترس هستند. از سال 2007 به اینطرف تناسب افرادی که قضایای خود را از طریق شورا و جرگه حل نموده اند از دیاد یافته است و بر عکس تناسب آنهاست که قضایای خویش را در محاکم دولتی مطرح نموده اند کمتر شده است. اما سطح رضایت از شورا ها و جرگه ها در حال کاهش است. در سال 2009 تفاوت میان میزان رضایت از نهاد های رسمی و غیر رسمی رسیده گی به دعاوی نسبت به سالهای گذشته بسیار کمتر بوده است. به همینسان، هر چند

اعتماد مردم نسبت به شوراها و جرگه‌ها به تناسب تمام مراجع رسمی حکومت‌های محلی بیشتر بوده اما با آنهم این اعتماد از سال 2007 به اینسو یک سیر نزولی را پیموده است.

در سال 2009 تعداد بیشتر سروی شده گان نسبت به سالهای قبل از آزادی و صلح بمثابة بزرگترین منفعت‌های شخصی نام می‌برند که آنها از مردم سالاری (دیموکراسی) انتظار دارند. در واقع، به نظر می‌رسد که در سال جاری مردم اهمیت بیشتری به ارزش‌های کلیدی دیموکراسی از قبیل حقوق و قانون، حقوق زنان، حکومت مردمی و دیموکراسی اسلامی قایل هستند که بدین ترتیب روال چند ساله گذشته معکوس می‌گردد. اما در مورد اینکه دیموکراسی احتمالاً پیامد‌های محسوسی مانند کاهش فساد و به ارمغان آوری شگوفایی را در قبال خواهد داشت، کمتر مطمئن هستند.

از سال 2006 تا حال در تناسب سروی شده گانیکه از نحوه کار دیموکراسی در افغانستان رضایت نشان داده اند بصورت منظم کاهش رونما گردیده است. موازی با آن تعداد سروی شده گانیکه دیموکراسی را بهترین نوع حکومت میدانند نیز کمتر گردیده است. این کاهش علاقه به دیموکراسی ظاهراً ناشی از عدم کارایی سیستم دیموکراتیک در برآورده ساختن توقعات شهروندان افغان و رساندن منفعت‌ها به آنان میباشد.

در سال 2009 ابراز حمایت برای ارزش‌های اساسی دیموکراسی مانند تساوی حقوق در پیشگاه قانون و نماینده گی مساویانه از تمام مناطق بزرگ و اقوام در سطح بلند باقی مانده است. اما با آنهم سطح حمایت از تساوی حقوق کمی پائین آمده است. پشتیبانی سروی شده گان از موجودیت اپوزیسیون صلح آمیز نیز زیاد بوده هرچند در طول سالهای گذشته اندکی کمتر گردیده است. به همین ترتیب پذیرش وابستگی‌های سیاسی میان افراد در سال 2009 به پائین ترین سطح خود رسیده است. با اینحال، میزان حمایت از اجازه دادن به اپوزیسیون بشمول احزاب گمنام جهت تدویر جلسات به سطح محل از یاد یافته است. علت این امر ممکن انتخابات سال 2009 باشد که باعث افزایش فعالیت‌های احزاب سیاسی و برجسته ساختن آنها گردیده است.

در سال 2009 که سال انتخابات بود، اعتماد عامه نسبت به روند انتخابات بار دیگر افزایش یافت. بسیاری از سروی شده گان به این نظر بودند که انتخابات میتواند بهبود را به ارمغان آورد، که اینگونه پاسخ روال نزولی دوسال گذشته را معکوس ساخت. همگام با آن، تناسب کسانی که میگویند در اتخاذ تصمیم توسط دولت به نحوی اعمال نفوذ نموده میتوانند ارتقا یافته است. با وجود این، تعداد کسانی که در سال 2008 از نفوذ قوی خویش در پروسه تصمیم گیری دولت صحبت میکردند به مراتب بیشتر بود. سطح اعتماد به مؤثریت شخصی همگام با سطح تعلیم و تحصیل بلند می‌رود و در میان ساکنین شهرها بیشتر دیده میشود، هر چند در میان زنان و مردانی که فکر میکنند توانایی اعمال نفوذ در تصمیم دولتی را دارند تفاوت چندانی دیده نمیشود.

این سروی در جون سال 2009 یعنی دو ماه قبل از موعد تعیین شده برای انتخابات صورت گرفت. در تاریخ مذکور بیش از چهار پنجم حصه سروی شده گان از انتخابات آگاه بودند و سه ربع شان شان برای رای دهی ثبت نام نموده بودند. میزان ثبت نام رای دهنده گان میان مردان بیشتر از زنان بود. حدود سه چهارم حصه کسانی که ثبت نام نموده بودند اظهار داشتند که نمیدانستند در کجا ثبت نام نمایند. این امر مبین آنست که فقدان معلومات در مورد طرز العمل‌های انتخابات ممکن یکی از دلایل عدم ثبت نام رای دهنده گان افغان بوده باشد.

تقریباً سه ربع رای دهنده گانی که ثبت نام نموده بودند از احتمال رای دادن خود خبر دادند، هر چند در مناطق مختلف و میان جمعیت‌های مختلف اختلاف نظر به حد قابل ملاحظه آن موجود بود. تعداد بیشتر مردان نسبت به زنان گفتند که احتمالاً رای خواهند داد. در حالیکه بیش از چهار پنجم حصه رای دهنده گان ثبت نام شده در مناطق مرکزی/هزاره جات، شرقی، شمالشرقی و شمالغربی تصمیم بر رای دهی داشتند، سوم الی چهارم حصه آنها در مناطق جنوبغربی، جنوبشرقی، غربی و مناطق مرکزی/کابل گفتند که احتمالاً رای نخواهند داد. نگرانی‌های امنیتی در جنوبشرق و جنوبغرب متباز تر بودند. محدودیت‌های اجتماعی که مانع مشارکت طبقه اناث در انتخابات می‌گردند در مناطق مرکزی/کابل و شمالشرقی برجسته تر بود. تناسب سروی شده گانیکه از عدم علاقمندی خود به اشتراک در انتخابات سخن میگفتند در سال 2009 سریعاً افزایش یافت و نسبت به سال 2004 دوچندان شد. تصمیم رای دهی بیشتر با حس مؤثریت شخصی ارتباط دارد و می‌رساند که مردم زمانی تمایل بیشتر



به استعمال حق رای خود دارند که بالای نقش رای شان در ایجاد تغییر باورمند باشند. همچنان تصمیم رای دهی با تمامیت پروسه انتخابات نیز ارتباط تنگاتنگ دارد.

اکثریت سروی شده گان گفتند که انتخابات پیشرو آزاد و عادلانه خواهند بود. کسانیکه نظر مخالف داشتند شماری از مشکلات بالقوه را عنوان کردند که شامل تقلب در شمارش آراء و خریدن رای دهنده گان میگردد. تعداد قلیلی از تهدید رای دهنده گان و فعالین احزاب یادآوری نمودند. شک و تردید ها در مورد آزاد و منصفانه بودن انتخابات در جنوبغرب، جنوبشرق، حوزه مرکز/کابل و غرب بیشتر بود. به هر حال، علی الرغم شک و تردید ها راجع به روند انتخابات، در سال 2009 اعتماد مردم نسبت به نهاد های انتخاباتی بشمول کمیسیون مستقل انتخابات و احزاب سیاسی از دیاد یافت، هر چند این اعتماد در سال 2006 در حد اعلی خود قرار داشت.

نظریات در مورد آزادی بیان اینبار هم مختلف بودند. عدم تامین امنیت فزیک و ضمانت های حقوقی در قبال آزادی بیان از جمله چالش های موجود در این زمینه بودند. تناسب سروی شده گانیکه میگویند گفتن سخنان منفی در مورد حکومت قابل پذیرش نیست به سیر نزولی خود ادامه داده است. این کاهش بیانگر آنست که موانع موجود بر سر راه آزادی بیان در افغانستان از جانب دولت ایجاد نشده بلکه ریشه در محیط و جامعه دارند.

حمایت از مفکوره مشوره با رهبران مذهبی در تصمیم گیری های دولت و برای حل مشکلات محلی به تدریج افزایش یافته است و بیشترین افزایش آن در شرق (82%) و جنوبغرب (72%) دیده میشود.

مانند سالهای گذشته، تعلیم و سوادآموزی (49%) در جمع مشکلات عمده زنان افغان باقی مانده است. با این وصف، در خلال مدت مذکور در تناسب سروی شونده گانی که نبود فرصت های کاری برای زنان را یک معضل مهم میدانند بطور قابل ملاحظه افزایش بعمل آمده است.

میزان حمایت از تساوی جنسیت (جندر) بشمول فرصت های همسان تعلیمی و حق رای دادن زنان باز هم بلند ثبت شد. تناسب کسانیکه طرفدار کار زنان در بیرون از خانه هستند همه ساله کاهش یافته و در سال 2009 به پائین ترین حد خود رسیده است. برخلاف بلند بودن سطح پشتیبانی از مشارکت زنان در انتخابات، صرف یک اکثریت کوچک به زنان حق میدهند تا در مورد رای دهی شان بصورت مستقلانه تصمیم بگیرند. در مناطق جنوبغربی و جنوبشرقی تعداد قابل ملاحظه از سروی شده گان بدین نظر اند که رای دادن مردان بعوض زنان یک عمل قابل قبول است. همانند سالهای گذشته بیشترین پشتیبانی از اصول تساوی جنسیتی از طرف زنان، جوانان و ساکنین شهر ها ابراز گردید. همچنان با بلند رفتن سطح تحصیلی نیز این پشتیبانی افزایش می یابد.

نتایج سروی 2009 کاهش قابل ملاحظه را در ابراز حمایت سروی شده گان از حضور زنان در نهاد های دولتی در تمام سطوح بمقایسه سالهای گذشته نشان میدهد. سروی شده گان از اینکه نماینده گی شان در شورای انکشاف ولسوالی توسط زنان صورت بگیرد کمترین مخالفت را نشان دادند. زنان مانند گذشته نسبت به مردان بیشتر معتقد به تساوی حق نماینده گی بودند.

رادیو هنوز هم دسترس پذیر ترین رسانه برای خانواده های افغان بخصوص در مناطق روستایی بشمار میرود. به هر حال از سال 2007 تا حال گرایش مردم به داشتن و شنیدن رادیو کمتر شده است. تناسب سروی شده گانیکه از تلویزیون معلومات بدست می آورند در حال افزایش است اما هنوز هم محدود به مناطق شهری میباشد. علاوه بر آن سال 2009 شاهد افزایش دراماتیک مالکیت تلفون های همراه نسبت به سالهای گذشته بود. این بدان معناست که حال برای اولین بار اکثریت سروی شده گان به این تکنالوژی دسترسی دارند.

به هر حال، استفاده از شبکه های غیر رسمی به حیث منبع خبرها و معلومات هنوز هم بسیار مروج است. تقریباً نصف سروی شده گان از گردهم آبی های مردم محل و خطابه هایی که در مساجد صورت میگیرد به این منظور استفاده میکنند. در یک تعداد زیاد موارد مانند گذشته بخصوص در مناطق روستایی، زنان و افراد دارای سطح تحصیلی پائین تر برای مطلع شدن از اخبار و رویدادهای تازه به شبکه های غیر رسمی مانند گروه دوستان، خانواده و همسایه ها مراجعه میکنند. با این حال، تناسب سروی شده گانیکه میگویند ترجیح میدهند معلومات

مربوط به رویدادهای منطقه شانرا از طریق ارتباطات شخصی شان بدست بیاورند در طی سالهای گذشته به تدریج کاهش یافته است. از جانب دیگر، در سروی سال 2009 بیشترین سروی شده گان گفتند که مایل اند معلومات را از اشخاص متنفذ مانند بزرگان قریه، بزرگان محلی و ملاها بدست بیاورند؛ و این میرساند که چینل های عنعوی اطلاع رسانی هنوز هم در افغانستان از اهمیت خاصی برخوردار اند.